

بازتعریف مفاهیم بند پایه و بند پیرو براساس رویکرد نقش‌گرا

آزاده میرزائی^۱

دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

چکیده

بندهای متممی، چه از نوع فاعلی و چه از نوع مفعولی، در سابقه مطالعه این دو مفهوم، همواره به عنوان بند پیرو در نظر گرفته می‌شوند و افعالی که چنین بندهایی می‌پذیرند با عنوان فعل اصلی معرفی می‌شوند. در این پژوهش با رویکردی معنامدار و مشخصاً براساس مفاهیم مطرح در فرانقش تجربی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، به بازتعریف مفاهیم بند پایه و پیرو می‌پردازیم. با این نگاه و براساس چیستی پیام، مشخص می‌شود که بندهای معروف به بند پیرو، درواقع محتوای اصلی پیام هستند و بندهای معروف به بند پایه تنها ویژگی‌های دستوری فعل جمله را منتقل می‌کنند. ویژگی دستوری مطرح در بندهای معروف به بند پایه درواقع همان مفهوم وجه است که می‌تواند به شکل قیدی، حرف‌اضافه‌ای، با استفاده از فعل‌های وجهی و همچنین در قالب یک بند ظاهر شود. به این ترتیب، بندهای به‌اصطلاح پیرو به‌لحاظ معنای گزاره‌ای، اصلی خواهند بود و وابستگی آنها به بندهای به‌اصطلاح پایه تنها به لحاظ ویژگی‌های دستوری خواهد بود. در مقابل بندهای به‌اصطلاح پایه، به لحاظ محتوای معنایی جمله به بند دیگر در جمله وابسته‌اند. در معرفی وضعیت بندهای پایه و پیرو و بررسی فرضیه این پژوهش پس از معرفی انواع وجه و ارائه نظرات مختلف در خصوص آن، از آزمون پرسش‌بله/خیر برای تعیین بند اصلی در جملات مرکب استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: وجه، بند پایه، بند پیرو، بند متممی، فرانقش تجربی.

۱- مقدمه

هلیدی^۱ و متیسن^۲ (۲۰۱۴) در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۳ بر این باورند که سه نوع مؤلفهٔ بافت موقعیت شامل موضوع^۴، عاملان^۵ و شیوه^۶ در زبان در لایهٔ معنا بازنمایی دارند. بازنمایی موضوع در معنا با عنوان فرانشش تجربی^۷ معرفی می‌شود که از چپستی پیام می‌گوید. در این سطح هستهٔ اصلی پیام شکل می‌گیرد و جان کلام صورت‌بندی می‌شود. بازنمایی عاملان سخن در لایهٔ معنا، فرانشش بینافردی^۸ است که از نحوهٔ انتقال پیام و نقش عاملان سخن در انتقال پیام می‌گوید. نهایتاً بازنمایی شیوه در لایهٔ معنا با عنوان فرانشش متنی^۹ مطرح می‌شود و نحوهٔ چینش سازه‌ها و نقش هر بند در ساختار متنی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین هر بند سه بخش یا سه معنا دارد: موضوع سخن، نقش عاملان سخن در انتقال موضوع و نحوهٔ چینش اجزای موضوع.

اگر بپذیریم که هر بند، **موضوع یا پیامی** در خود دارد، آنگاه در بررسی‌های زبانی، توجه به آن موضوع می‌تواند یکی از ملاک‌های تأثیرگذار باشد. با این نگاه نقش‌گرا به زبان، برخی تعاریف سنتی ممکن است دچار تغییر شوند. این پژوهش روی مفهوم بند پایه و بند پیرو متمرکز است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که اگر هر بند بر پایهٔ یک موضوع و محتوای گزاره‌ای بنا می‌شود آیا باز هم تقسیم‌بندی بندهای پایه و پیرو معتبرند؟ آیا با نگاهی نقش‌گرا بازم بندهای پیرو به بندهای پایه وابسته‌اند یا برعکس؟ و اساساً وابستگی این گروه از بندها چه نوع وابستگی است؟ برای نمونه در جملهٔ «تصور می‌کنم علی در امتحان فردا شرکت کند»، آیا موضوعی که گوینده می‌خواهد با شنونده در میان بگذارد این است که «تصور می‌کند» یا می‌خواهد در خصوص «شرکت علی در امتحان فردا» به شنونده اطلاع بدهد؟

موضوع بندها و جملات مرکب در زبان فارسی بارها مورد توجه و مطالعه بوده است. اخلاقی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رده‌شناختی متمم/فزایی در فارسی امروز، به مطالعهٔ

-
1. M. Halliday
 2. C. Matthiessen
 3. Systemic Functional Grammar
 4. field
 5. tenor
 6. mode
 7. experiential metafunction
 8. interpersonal metafunction
 9. textual metafunction

فعل‌های متمم‌پذیر می‌پردازد و آنها را فعل‌هایی معرفی می‌کند که در جایگاه یکی از وابسته‌های اجباری خود (نظیر فاعل و مفعول)، به‌جای گروه اسمی، بند متممی می‌پذیرند و حذف آن از جمله، به نادستوری شدن جمله می‌انجامد. او براساس نونان^۱ (۱۹۸۵) و کریستافارو^۲ (۲۰۰۵: ۹۹) فعل‌های متمم‌پذیر زبان فارسی را به هفت گروه شامل (۱) فعل‌های وجهی، (۲) فعل‌های بهره‌کشی، (۳) فعل‌های آرزویی، (۴) فعل‌های ادراکی، (۵) فعل‌های آگاهی، (۶) فعل‌های نگرش‌گزاره‌ای و (۷) فعل‌های نقل‌قولی تقسیم می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد. در این بررسی او اساساً به فعل‌هایی می‌پردازد که متمم‌های بندی مفعولی می‌پذیرند.

میرزائی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان *ساخت اطلاع در بندهای متممی زبان فارسی* علاوه بر بندهای مفعولی مورد اشاره اخلاقی (۱۳۸۸)، بندهای متممی فاعلی را براساس مشاهدات پیکره‌بنیاد و با استناد به دسته‌بندی بندهای متممی مفعولی به هفت گروه شامل (۱) فعل‌های ایجابی (وجهی و بهره‌کشی)، (۲) فعل‌های آرزویی، (۳) فعل‌های واقعیت‌گرا، (۴) فعل‌های عرفی، (۵) فعل‌های نگرش‌گزاره‌ای، (۶) فعل‌های نقل‌قولی و (۷) فعل‌های ارزیابی تقسیم‌بندی کرده و چگونگی توزیع اطلاع را در آنها مورد بررسی قرار داده است.

این دو پژوهش همانند سنت بررسی جملات مرکب، فعل‌های متمم‌پذیر را، فعل اصلی و بندهای دوم را بند پیرو (فاعلی یا مفعولی) در نظر گرفته‌اند. پژوهش حاضر با اولویت دادن به پیام اصلی جمله، دو مفهوم بند پایه و پیرو را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- مبانی نظری و بیان مسئله

هلیدی و متیسن در بررسی چیستی پیام و در فرانش تجربی، هر بند را به سه بخش فرایند^۳، مشارکان^۴ و افزوده حاشیه‌ای^۵ تقسیم می‌کنند. هر مفهوم دیگری به جز این موارد، در فرانش تجربی قابل بررسی نیست. هسته مرکزی پیام در این مفهوم، فرایند است. بر این اساس با بررسی فرایند مطرح در هر بند، می‌توان انواع بندها را طبقه‌بندی کرد و تحلیلی از چیستی پیام به دست داد. در این رویکرد فرایندها به سه طبقه اصلی مادی، ذهنی، رابطه‌ای و سه طبقه

1. M. Noonan

2. S. Cristofaro

3. process

4. participant

5. circumstantial adjunct

فرعی بیانی، رفتاری و وجودی تقسیم می‌شوند. مشارکان شرکت‌کنندگان در فرایند هستند و افزوده حاشیه‌ای، افزوده اطلاع‌رسان و محتوایی است که در خصوص مکان، زمان، حالت، علت و هدف فرایند بند، اطلاعات می‌دهد.

در بررسی مسیر انتقال پیام و نقش عاملان سخن در انتقال پیام (در فرانش بینافردي)، بند به دو بخش وجه^۱ و مانده^۲ تقسیم می‌شود. وجه از سوژه^۳ (همان فاعل دستوری که در اینجا با شعار «پیام در مفهوم تبادل»، موضوع و سوژه بحث می‌شود) به اضافه زمان‌داری^۴ تشکیل شده است. زمان‌داری خود از بخش‌های زمان، نمود، وجه، جهت و قطبیت تشکیل می‌شود. این فرانش افزوده هم دارد. افزوده وجه‌نمایی^۵ که در این فرانش مطرح است شامل دو بخش افزوده وجهی^۶ و افزوده اظهاری^۷ است.

در فرانش بینافردي هر بند نوعی تبادل است. اگر اطلاع^۸ مبادله شود، یعنی اگر اطلاعی داده شود و یا اطلاعی درخواست شود، پیام از نوع گزاره^۹ خواهد بود. اگر کالا یا خدمتی^{۱۰} عرضه یا درخواست شود، پیام پیشنهاد^{۱۱} است.

جدول ۱- بند به عنوان تبادل (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۳۶)

چیزهای قابل تبادل		
الف- اطلاعات	ب- کالاها و خدمات	نقش‌ها در تبادل
اظهار، او کتابش را به دوستش داد.	عرضه کردن، این کتاب را می‌خواهی؟	۱- دادن
پرسش، به دوستش چه چیزی داد؟	دستور، کتاب را به من بده	۲- خواستن

گوینده در این فرانش ابزارهایی در دست دارد که با آنها می‌تواند نظر خود را در پیام منعکس کند، میزان قطعیت گزاره را تخمین بزند یا سبب شود که احتمال اجرایی شدن پیشنهاد بالا برود.

1. Mood
2. Residue
3. Subject
4. Finite
5. modal adjunct
6. mood adjunct

7. comment adjunct
8. information
9. preposition
10. goods-&-services
11. proposal

میزان قطعیت هر گزاره با صورت‌بندی‌هایی که نماینده مفهوم احتمال هستند (مانند حتماً، احتمالاً، شاید، به احتمال زیاد، احتمال می‌رود و ...) و همچنین با قیود تکرار (همیشه، اغلب، گاهی و مانند آن) مشخص می‌شود. میزان احتمال گزاره، در معنی‌شناسی با مفهوم قیود وجه برداشتی^۱ معادل است که نظر و ارزیابی گوینده پیام را در خصوص میزان احتمال گزاره نشان می‌دهد. برای مثال در جمله «زمین به دور خورشید می‌چرخد»، می‌توان با استفاده از قیده‌های احتمالاً و قطعاً، احتمال درستی چنین اطلاعی را از نظر گوینده نشان داد (تامپسون، ۲۰۱۴: ۷۰).

میزان قطعیت و یا، به بیانی بهتر، ضمانت اجرایی پیشنهاد با صورت‌بندی‌هایی که نماینده مفهوم اجبار^۲ (اجبار، پیشنهاد و اجازه) و تمایل^۳ (تصمیم، توانایی و تمایل) هستند، منتقل می‌شود. مفاهیم اجبار و تمایل، معادل وجه درخواستی^۴ در معنی‌شناسی است. در جمله «آن کتاب را به من امانت بده»، گوینده می‌تواند با استفاده از «باید» و «ممکن است» نشان دهد که به نظر او امکان اینکه کنش امانت دادن اجرایی شود چقدر است (همان: ۷۱).

مفهوم وجه همانند دیگر معناهای رابطه‌ای^۵ در زبان‌های مختلف و حتی در یک زبان واحد می‌تواند به شیوه‌های گوناگون صورت‌بندی شود. برای مثال در بیان مفهوم احتمال در بسیاری از زبان‌ها می‌توان از وندافزایی استفاده کرد. زبان‌های دیگر این مفهوم را به صورت تحلیلی و جدا از سازه فعلی و در قالب قید (احتمالاً)، گروه حرف‌افزای (به احتمال زیاد)، فعل وجهی (می‌شود) و حتی به شکل بندی (احتمال می‌دهم) به کار می‌برند.

مثال ۱: الف- احتمالاً فردا باران می‌بارد.

ب- به احتمال زیاد فردا باران می‌بارد.

پ- احتمال می‌دهم فردا باران بیارد.

ت- می‌شود که فردا باران بیارد.

در هریک از جملات بالا، چیستی پیام یکسان است و تفاوت جملات بالا در نحوه بازنمایی میزان قطعیت گزاره است. به بیان دیگر در جمله پ مثال ۱، موضوع مورد بحث یا،

1. epistemic modality
2. obligation
3. willingness or inclination
4. deontic modality
5. relational meaning

به تعبیر هلیدی و متیسن، چستی پیام، باریدن باران است و بند پایه، یعنی احتمال می‌دهم، تنها قطعیت گزاره را نشان داده است. بسیاری از بندهای به‌اصطلاح پایه دیگر هم به همین گونه در بیان قطعیت گزاره و پیشنهاد کاربرد دارند و به این ترتیب چستی پیام، آن چیزی است که در بند پیرو مطرح می‌شود. بدین قرار در چنین بندهای مرکبی، بندهای معروف به بند پایه تنها ویژگی دستوری فعل بند اصلی را صورت‌بندی می‌کند و در مقابل بند به‌اصطلاح پیرو محتوای گزاره‌ای جمله و چستی پیام را به دست می‌دهد. در ادامه مفهوم وجه و تظاهر بندی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- تحلیل داده‌ها

در معنی‌شناسی وجه برداشتی و وجه شواهدی به شرایط صدق یا واقعیت‌پذیری گزاره برمی‌گردد و وجه درخواستی و توانمندی مربوط به رویدادهایی است که هنوز رخ نداده‌اند اما امکان وقوع دارند (پالمر^۱، ۲۰۰۱: ۸). وجه برداشتی قضاوت گوینده را در خصوص وقوع (و واقعیت‌پذیری) گزاره بیان می‌کند اما وجه شواهدی، شواهدی را ارائه می‌کند که واقعیت‌پذیری گزاره را نشان می‌دهد (همان). وجه برداشتی شامل وجه اندیشگانی^۲، استقرایی^۳ و استنتاجی^۴ می‌شود.

وجه شواهدی بر اساس اطلاعات عمومی^۵، تجربیات شخصی^۶ (معمولاً بصری^۷)، شواهد شنیداری^۸، شایعه^۹ و استنتاج^{۱۰} مشخص می‌شود. وجه شواهدی اساساً به دو دسته کلی مربوط به حواس^{۱۱} و مبتنی بر گزارش^{۱۲} تقسیم می‌شود.

نوع دیگر مفهوم وجه به باور پالمر (همان: ۱۰-۹) مربوط به درخواست و تمایل است. این نوع وجه خود به دو شکل وجه درخواستی^{۱۳} و پویا^{۱۴} مطرح می‌شود. اگر نیروی بیرونی و به شکل اجبار یا اجازه، کنشی را تحت تأثیر قرار دهد، وجه درخواستی داریم ولی اگر فعل جمله متأثر از یک نیروی درونی باشد و بر اساس تمایل یا توانایی تعریف شود، وجه پویا داریم.

1. F. R. Palmer

2. Speculative

3. Deductive

4. Assumptive

5. general knowledge

6. first-hand personal experience

7. Visual

8. auditory evidence

9. hearsay

10. inference

11. sensory

12. reported

13. deontic

14. dynamic

در ادامه صرف نظر از تقسیم‌بندی‌های مفهوم وجه (چه در نگاه هلیدی و متسین (۲۰۱۴) و چه در نگاه پالم (۲۰۰۱)) با اتکا به شواهدی از زبان فارسی، بررسی مفاهیم بند پایه و پیرو را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- وجه برداشتی / قطعیت گزاره

اگر قطعیت گزاره را مفهومی پیوستاری ببینیم، در یک سر پیوستار رویداد یا وضعیت به وقوع می‌پیوندد (قطبیت مثبت) و در سر دیگر، رویداد یا وضعیت محقق نمی‌شود (قطبیت منفی). در انتقال اطلاع، گوینده می‌تواند با ابزارهای نشان‌دهنده وجه، نظر خود را درباره قطعیت پیام بیان کند. اگر پیام در قالب یک بند ظاهر شود و مفهوم وجه هم در یک بند جدا مطرح شود، آن وقت جمله مرکبی خواهیم داشت که یک بخش آن پیام اصلی و بخش دیگر نظر گوینده درباره قطعیت آن پیام اصلی است. برای نمونه می‌توان به مثال زیر توجه کرد:

مثال ۲: الف- زمین به دور خورشید می‌چرخد.

ب- فکر می‌کنم زمین به دور خورشید می‌چرخد.

پ- مطمئن هستم/ حتم دارم که زمین به دور خورشید می‌چرخد.

ت- احتمال می‌دهم/ احتمال دارد زمین به دور خورشید بچرخد.

بر اساس مفاهیم مطرح در فرانش تجربی، مجموعه جملات ۲ همگی به لحاظ چپستی پیام یکسان هستند و همگی از «چرخیدن زمین به دور خورشید» می‌گویند. تفاوت این جملات در فرانش بینافردی و در بخش وجه است. در این جملات تنها میزان قطعیت گزاره تغییر کرده است. در جمله الف «چرخیدن زمین به دور خورشید» تصریح شده و مفروض است. در جمله ب گوینده می‌گوید به نظر او «چرخش زمین به دور خورشید» اتفاق می‌افتد. در جمله پ گوینده از گمان قوی خودش درباره «چرخش زمین به دور خورشید» می‌گوید و در جمله ت «چرخش زمین به دور خورشید» محتمل فرض شده است.

جملات ب، پ و ت همگی جمله مرکب هستند و در مفهوم سنتی بند اول پایه و بند دوم، بند پیرو است. به بیان دیگر در این جملات فکرکردن، مطمئن‌بودن و احتمال‌دادن فعل اصلی فرض شده‌اند و بندهایی که پس از آنها می‌آیند، به عنوان بند پیرو معرفی می‌شوند. این در حالی است که اگر با نگاهی نقش‌گرا و معنامدار به این جملات مرکب نگاه کنیم، جان کلام و

پیام اصلی در همه آنها یکسان و در بند دوم صورت‌بندی شده است و در واقع این بند نخست است که به بند دوم وابسته است.

همانطور که پیشتر گفته شد، می‌توان صحت این ادعا را با این واقعیت سنجید که بندهای نشانگر وجه علاوه بر تظاهر بندی می‌توانند به صورت گروه حرف اضافه‌ای (به احتمال زیاد و به طور یقین به جای احتمال می‌دهم و یقین دارم)، قیدی (احتمالاً به جای احتمال دارد)، به صورت فعل کمکی (باید، می‌شود) و حتی به شکل وندافزایی بر روی فعل هم ظاهر شوند. طرح مفهوم وجه در صورت‌بندی‌های متفاوت، در معنای گزاره‌ای جمله تأثیری ندارد و تنها میزان قطعیت گزاره را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علاوه بر این با استفاده از آزمون پرسش بله/خیر نیز می‌توان نشان داد که بندهای نمایانگر مفهوم وجه، جزو معنای گزاره‌ای فعل نیستند. پرسش‌های بله/خیر در حالت بی‌نشان، ساخت رویدادی فعل را مورد پرسش قرار می‌دهند (و نه ساخت موضوعی آن را). این پرسش‌ها، در حالت بی‌نشان، از قطبیت فعل می‌پرسند و پاسخ آنها نیز بخش رویدادی فعل و مشخصاً قطبیت آن است؛ اینکه رویداد مثبت است یا منفی و یا محتمل. همان‌طور که گفتیم، احتمال وقوع رویداد، مفهومی پیوستاری است که از مثبت‌بودن تا منفی‌بودن در تناوب است. در میان این پیوستار درجاتی از احتمال قوی تا احتمال ضعیف وجود دارد.

مثبت	قوی‌ترین	احتمال	احتمال	احتمال	ضعیف‌ترین	منفی
	احتمال	قوی			ضعیف	احتمال

در جمله (۳. ب) پرسش بله/خیر در حالت بی‌نشان، قطبیت فعل را مورد سؤال قرار داده و به همین دلیل پاسخ آن یکی از احتمالات مطرح در (۳. ت) است که به اشکال متفاوت قطبیت فعل را نشان داده است. این پاسخ در عین حال می‌تواند برای جمله ۴ هم مطرح باشد.

مثال ۳: الف- علی فردا به تهران سفر می‌کند.

ب- (آیا) علی فردا به تهران سفر می‌کند؟

ت- بله/خیر/ احتمالاً/ قطعاً/ بله (سفر) می‌کند/ خیر (سفر) نمی‌کند/ احتمالاً (سفر)

می‌کند/ قطعاً (سفر) می‌کند

در جملهٔ ۴ بند نخست مفهوم وجه برداشتی را بازنمایی می‌کند و در پاسخ به پرسش بله/خیر، به عنوان پاسخ به مخاطب برمی‌گردد.

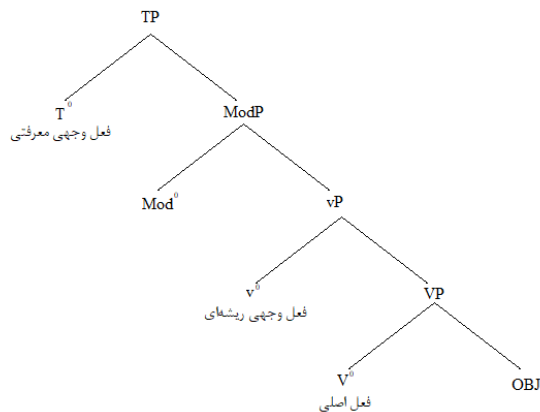
مثال ۴: الف- احتمال می‌دهم/ فکر می‌کنم/ مطمئن هستم که علی فردا به تهران سفر می‌کند.

ب- (آیا) فکر می‌کنی/ احتمال می‌دهی/ مطمئنی علی فردا به تهران سفر می‌کند؟

بله/ خیر/ احتمالاً/ قطعاً/ بله فکر می‌کنم/ خیر فکر نمی‌کنم/ احتمال می‌دهم/ حتم دارم.

به این ترتیب با نگاهی معنامدار می‌توان گفت که بندهای حاوی مفهوم وجه، تنها نظر گوینده را در خصوص قطعیت پیام و قطعیت فعل اصلی جمله بیان می‌کنند. فعل اصلی و موضوع‌های آن در بند دوم قرار دارند و به بیان دیگر بند اول به لحاظ معنای گزاره‌ای به بند اصلی و فعل آن وابسته است.

لازم به توضیح است که این وابستگی در نگاه صورتنگرا متفاوت است. در رویکرد صورتنگرا عنصر تصریف^۱، هستهٔ جمله است و طبیعی است که گروه فعلی و اساساً بند دوم، برای بند اول که نمایانگر ویژگی‌های رویدادی فعل اصلی است، به عنوان بند پیرو و متممی مطرح باشد. این نگاه را می‌توان در نمودار ۱ و در شرایطی که فعل اصلی جمله متمم فعل وجهی واقع شده است، مشاهده کرد.



نمودار ۱- جایگاه فعل‌های وجهی (ورمبرند^۲، ۱۹۹۸: ۲۵۵ به نقل از طالقانی ۲۰۰۸: ۹۵)

همچنین لازم به یادآوری دوباره است که نگاه نوشتار حاضر صرفاً با توجه به ملاحظات معنایی است و در این راستا از تعاریف دستور نقش‌گرای نظام‌مند در بازنمایی معنا در بند استفاده شده است؛ وگرنه این رویکرد خود در تعریف بند مرکب و روابط بین بندها ملاحظات ویژه خود را دارد (نمودار ۲).

به عنوان نمونه‌ای دیگر از دستوره‌های نقش‌گرا می‌توان به دستور نقش و ارجاع اشاره کرد. در این دستور که ساختار درونی بند را به صورت لایه‌ای بررسی می‌کند در روابط میان بندها، در کنار همپایه‌سازی و ناهمپایه‌سازی، از پیوند^۱ سومی تحت عنوان شبه‌ناهمپایه‌سازی^۲ یاد می‌شود که به لحاظ صوری شبیه به بندهای همپایه عمل می‌کنند اما در رفتار نحوی، همانند بندهای ناهمپایه به لحاظ وجه و زمان به بند دیگر وابسته‌اند (ون‌ولین، ۲۰۰۵: ۱۸۳). در این رویکرد علاوه بر این سه سطح پیوند، بر اساس سه مرتبه^۳ اتصال^۳ هسته‌ای، بخش اصلی و بندی، ارتباطات درون‌جمله‌ای شکل می‌گیرد (همان: ۱۸۸). بر این اساس سطوح وابستگی در اینجا متفاوت از رویکردهای دیگر است و در بیان یک معنای واحد بر اساس نحوه^۴ صورت‌بندی آنها سطوح وابستگی متفاوتی شکل می‌گیرد که فارغ از وجود معنای گزاره‌ای واحد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

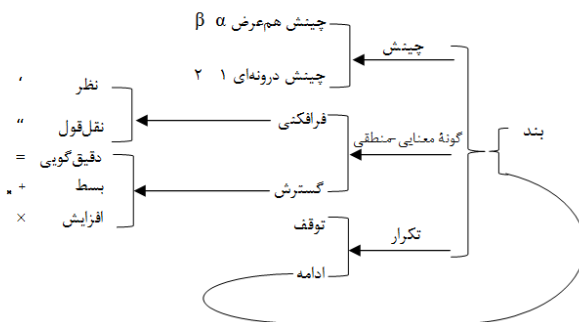
- | | |
|---|-----------------------|
| a. That Chris will win the election is likely. | Core subordination |
| b. It is likely that Chris will win the election. | Clausal subordination |
| c. Chris is likely to win the election. | Core coordination |

۳-۲- وجه درخواستی و توانمندی (پیشنهاد):

وقتی با استفاده از زبان، کالا یا خدمتی عرضه یا درخواست می‌شود، جملات زبانی، پیشنهاد هستند. به این ترتیب جمله «یک لیوان آب بده!» که در آن کالایی درخواست می‌شود، یک پیشنهاد است. در نظام وجه، میزان احتمال پیشنهاد هم می‌تواند سنجیده شود. منظور از احتمال پیشنهاد، میزان احتمال اجرایی شدن عرضه یا تقاضاست؛ یعنی در جمله «یک لیوان آب

1. nexus
2. cosubordination
3. juncture

بده»، ببینیم چقدر این احتمال وجود دارد که تقاضا عملیاتی شود و آب به درخواست‌کننده داده شود.



نمودار ۲-انواع روابط میان بندها در بند مرکب (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۴۳۸)

در دستور نقش‌گرا دو نوع احتمال در ارتباط با عرضه و تقاضای کالا و خدمات مطرح می‌شود؛ یکی ایجاب و دیگری تمایل است. در ایجاب سه درجه احتمال شامل ایجاب، اجازه و پیشنهاد مطرح می‌شود. اگر استادی به عنوان تکلیف کلاسی از دانشجویان بخواهد تا پایان ترم نقدی را بر روی یک مقاله بنویسند، این پیشنهاد می‌تواند با سه درجه از احتمال عنوان شود.

مثال ۵: الف- دانشجویان مجبورند تا پایان ترم نقدی را بر یک مقاله بنویسند.

ب- دانشجویان اجازه دارند تا پایان ترم نقدی را بر یک مقاله بنویسند.

پ- دانشجویان می‌توانند تا پایان ترم نقدی را بر یک مقاله بنویسند. (پیشنهاد می‌شود

که ...)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هر سه جمله بالا به لحاظ معنای گزاره‌ای یکسان هستند و یک پیشنهاد ثابت «نوشتن نقدی بر یک مقاله» را مطرح می‌کنند. تفاوت این جملات در امکان وقوع پیشنهاد است. برای مثال وقتی کسی ملزم به انجام کاری می‌شود، در مقایسه با زمانی که برای انجام کار، پیشنهاد یا اختیاری دریافت می‌کند، طبیعتاً امکان انجام آن کار خیلی بالا می‌رود. بنابراین جمله الف بالاترین و پ پایین‌ترین احتمال وقوع را دارد.

همان‌طور که از جملات مثال ۵ برمی‌آید مفهوم وجه درخواستی که میزان احتمال پیشنهاد را بررسی می‌کند، می‌تواند به صورت بند ظاهر شود و به این ترتیب از فعل اصلی جمله جدا

شود. البته مشخص است که این مفاهیم می‌توانستند در قالب یک جمله بسیط و به صورت قیدی «لطفاً، حتماً و مانند آن» و یا به صورت فعل وجهی «می‌شود، باید، می‌توانید و مانند آن» تظاهر یابند. این توضیح بیانگر آن است که بندهای ابتدایی در جملات مرکب ب و پ تنها نظر و یا اراده گوینده را برای انجام فعل اصلی جمله نشان می‌دهد و بنابراین به لحاظ معنایی وابسته به فعل بند دوم است. به بیان دیگر اگر مفهوم وجه به صورت قیدی یا در قالب فعل وجهی ظاهر شود، تحلیلگر آن را فعل اصلی نخواهد دانست. بر همین اساس اگر این افزوده، به صورت بندی هم تظاهر یابد، نباید بند و فعل پایه در نظر گرفته شود. پس این بند به فعل و بند اصلی وابسته است و در خصوص معنای گزاره‌ای و در ارتباط با پیام اصلی جمله، بند پیرو در نظر گرفته می‌شود.

گفتیم که در مفهوم وجه درخواستی نوع دیگر احتمال پیشنهاد، تمایل است. تمایل به عنوان بخشی از نظام وجه خود به صورت سه درجه تمایل، تصمیم و توانایی تقسیم می‌شود. پس در جمله «این کتاب را به تو هدیه می‌کنم»، می‌توان سه درجه از احتمال را مطرح کرد:

مثال ۶: الف- علی تمایل دارد این کتاب را به دوستش هدیه کند.

ب- علی می‌تواند این کتاب را به دوستش هدیه کند.

پ- علی تصمیم دارد این کتاب را به دوستش هدیه کند.

در مجموعه جملات مثال ۶، پیشنهاد مطرح شده «هدای کتاب توسط علی به دوستش» است و بند اول، نظر گوینده را در خصوص میزان قطعیت پیشنهاد نشان می‌دهد. مانند موارد پیشین، با استفاده از پرسش بله/خیر در حالت بی‌نشان می‌توان رویدادی بودن (و نه موضوعی بودن) بند اول را نشان داد. برای مثال در پاسخ به پرسش «آیا علی تصمیم دارد این کتاب را به دوستش هدیه کند؟» می‌توان گفت: بله، نه یا بله تصمیم دارد. بنابراین مشخص است که بند اول در معنای گزاره‌ای جمله حضور ندارد و از این بابت به بند دوم وابسته است.

۳-۳- وجه شواهدی

وجه برداشتی قضاوت گوینده را در خصوص واقعیت‌پذیری گزاره بیان می‌کند، اما در وجه شواهدی، گوینده با اتکا به شواهد و مستندات موجود واقعیت‌پذیری گزاره را مطرح می‌کند (پالمر، ۲۰۰۱: ص ۸). بنابراین در اینجا گوینده باز هم درباره میزان قطعیت گزاره سخن

می‌گوید اما این بار این کار را بر اساس شواهد و قرائن و نظر و سخن دیگران صورت می‌دهد و فقط به حدس و گمان خود بسنده نمی‌کند.

مثال ۷: الف- پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

ب- به نظر می‌رسد پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

پ- دانشمندان می‌گویند پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

ت- شنیده‌ام پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

ث- واحد نشان می‌دهد پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

در مجموعه جملات ۷، چپستی پیام یکسان است. در همه این جملات پیام اصلی این است که «پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است». تفاوت این جملات در منبع این پیام است. در جملات ب تا ث هربار پیام به کسی نسبت داده می‌شود و گوینده آن را با توجه به اخبار و شواهد موجود اظهار می‌کند. در این موارد نیز طبق نگاه صورت‌گرا بند اول و فعل‌های «به‌نظر رسیدن، گفتن، شنیدن و نشان‌دادن» اصلی و پایه در نظر گرفته می‌شوند و بند دوم بند پیرو و وابسته به بند اول. در حالی که با نگاهی معنامدار و نقش‌گرا می‌توان گفت که هسته اصلی پیام و چپستی جمله در بند دوم بازنمایی شده و بند نخست تنها ویژگی‌های دستوری (در اینجا از نوع وجه شواهدی) را به فعل اصلی اضافه می‌کند.

این نوع وجه هم مانند دیگر امکانات وجه، علاوه بر تظاهر بند، می‌تواند به صورت قیدی، حرف اضافه‌ای و مانند آن تظاهر یابد.

به قول علی پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

طبق شواهد پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

ظاهراً پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است.

در این گونه جملات نیز به هنگام طرح پرسش بله/خیر، بند نخست جمله به عنوان پاسخ، مطرح می‌شود. در مجموعه جملات ۷ چنانچه با استفاده از «آیا» و در حالت بی‌نشان و با آهنگ بی‌نشان، جملات را مورد پرسش قرار دهیم، در پاسخ تنها بند نخست به مخاطب بازمی‌گردد.

مثال ۸: الف- آیا (این‌طور به نظر می‌رسد/ دانشمندان می‌گویند/ شنیده‌ای/ شواهد تأیید

می‌کنند) پیاز در رفع سرماخوردگی مفید است؟

ب- بله/ خیر/ (بله) این‌طور به نظر می‌رسد/ دانشمندان می‌گویند/ شنیده‌ام/ شواهد نشان می‌دهد.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش همان‌طور که دیده شد، فعل‌های وجهی، آرزویی، بهره‌کشی (در طبقه‌بندی اخلاقی، ۱۳۸۸ و میرزائی، ۱۳۹۲) در مفهوم وجه **درخواستی**، فعل‌های نگرش گزاره‌ای در مفهوم وجه **برد/اِشتی** و فعل‌های آگاهی، ادراکی و نقل قولی در مفهوم وجه **شواهدی**، ویژگی‌های دستوری فعل اصلی و پیام‌رسان جمله را به دست می‌دهند. اگر در تحلیل جمله، پیام اصلی را ملاک بررسی قرار دهیم، در تعریف بندهای پیرو فاعلی و مفعولی می‌توان تغییراتی را در نظر گرفت. به بیان دیگر، بر اساس پیام اصلی جمله، بندهای معروف به بند پیرو، پایه و اصلی خواهند بود و بندهای نمایانگر مفهوم وجه به لحاظ معنایی به این‌گونه بندها وابسته خواهند بود. برای تأیید این موضوع می‌توان از پرسش‌های **بله/خیر** استفاده کرد. در پرسش **بله/خیر**، ساخت رویدادی و مشخصاً قطبیت فعل جمله مورد سؤال قرار می‌گیرد و در پاسخ نیز همان بخش تأیید یا رد می‌شود. در جملات مرکب حاوی مفهوم وجه، پاسخ پرسش **بله/ خیر** با استفاده از بند وجه‌نما داده می‌شود که این حاکی از رویدادی بودن و غیرموضوعی بودن آن است. به این ترتیب بر اساس چپستی پیام بندهای حاوی مفهوم وجه وابسته و پیرو خواهند بود. این نوع نگاه به جملات پایه و پیرو با آنچه در رویکرد صورت‌نگار مطرح می‌شود متفاوت است، چون در آنجا، در تحلیل جمله اساساً عنصر تصریف، هسته اصلی جمله است و گروه فعلی متمم آن واقع می‌شود.

منابع

اخلاقی، فریار (۱۳۸۸). *وابسته‌سازی متممی در زبان فارسی امروز*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

میرزائی، آزاده (۱۳۹۲). «ساخت اطلاع در بندهای متممی زبان فارسی». دستور. ش. ۹، ۱۴۱-۹۳.

- Cristofaro, S. (2005). *Subordination*. Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M., & C. M. Matthiessen (2014). *Halliday's Introduction to Functional Grammar*. London and New York: Routledge.
- Noonan, M. (2007). *Complementation, Language Typology and Syntactic Description, volume 2: Complex Construction*, Edited by: T. Shopen, 2nd Edition, p: 52-150, Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (2001). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Taleghani, A. H. (2008). *Modality, Aspect and Negation in Persian*. Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Thompson, G. (2014). *Introducing functional grammar*. London and New York: Routledge.
- Van Valin, Jr, R. D. (2005). *Exploring the syntax-semantics interface*. New York: Cambridge University Press.
- Wurmbrand, S. (1998). *Infinitives*. Ph.D. dissertation. MIT: Cambridge MA.